



سونمز

ترجمه های: منظومه حیدربابا، فریاد در گلو شکسته انسان ها ...

لیلی - راستین

"من خیلی تلاش کردم اما هرگز حتی یک بند از حیدربابا را نتوانستم با ادای حق مطلب به فارسی ترجمه کنم، نشد که نشد ... استاد شهریار - خرداد ۱۳۵۶، چهلمین روز درگذشت "سهند" تالار تربیت - تبریز.

پس از انتشار منظومه حیدربابا در سال ۱۳۳۲ و در نخستین واکنش برون مرزی با نشر آن در باکو به زبان اصلی، این اثر به چندین زبان رایج در اتحاد شوروی آن زمان منتشر و مورد استقبال اقوام مختلف آن کشور قرار گرفت. استاد شهریار در مورد تعدد ملیت ها در خاک شوروی سابق و حتی آمریکا می گوید:

"صد ملتند جمع به یک نام شوروی،
پنجاه کشورند که آمریکا نام اوست."

گذشته از جمهوری آذربایجان که علاوه بر چاپ آثار ترکی استاد، بسیاری از اشعار فارسی شهریار نیز به ترکی منظوم برگردانده شده است، آوازه منظومه حیدربابا بویژه پس از درگذشت استاد شهریار از خاک شوروی سابق نیز فراتر رفته و بغیر از روسی، عربی، کردی و ... آنرا آقایان محمدحسین پرکار در سال ۱۳۷۲ به انگلیسی و جعفر مهرگانی در ۱۹۹۳ به آلمانی منظوم نیز ترجمه کردند و امروزه تعداد این ترجمه ها به زبان ملل گوناگون جهان به بیش از یکصد زبان زنده می رسد.

پس از درگذشت استاد شهریار مترجمین آذربایجانی برای ترجمه های منظوم این اثر از خود جرأت نشان داده و تا امروز تعداد این ترجمه ها به ده عنوان رسیده است.

و آقایان میرصالح حسینی، حسین منزوی، دکتر محمدعلی سجادی، کریم مشروطه چی (سونمز)، خانم آزاده خشکنایی، بهمن فرسی، حامد ماکوئی، دکتر بهروز ثروتیان، ناصر آذربویا و محمود بهادری کلخوران به ترتیب از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ ترجمه و منتشر کرده اند.

در این میان ترجمه آقایان: سجادی، ماکوئی، ثروتیان، آذربویا و سونمز در وزن عروض و آقایان

منزوی در سبک نیمائی با رعایت وزن عروض، خانم خشکنایی و حسینی به وزن اصلی، و آقای فرسی در وزن شعر آغیز ینمیشی "شهریار سروده اند.

از میان این آثار با توجه به زیبایی ترجمه آقای کریم مشروطه چی (سونمز) بخاطر طبع ظریف این شاعر به معرفی این ترجمه پرداخته و نمونه هایی از آن ارائه می شود.

سخنی در مورد ترجمه متون ترکی به فارسی و ... دکتر علی اکبر ترابی در مقدمه ترجمه سونمز می نویسد:

خیام بخش عظیمی از شهرت و بلندآوازی خود در میان ادب دوستان انگلیسی زبان را به ترجمه فیتزجرالد مدیون است. فیتزجرالد، خود، مفتون زیبایی و رسایی و پر محتوایی رباعیات خیام بود؛ ولی در ترجمه این اشعار، به زیبایی ترجمه خود بیشتر اندیشید تا به وفاداری کامل و تمام عبار به شکل و محتوای رباعیات؛ زیرا بخوبی می دانست که "ترجمه اگر زیباست وفادار نیست، و اگر وفادار باشد زیبا نیست."

از سوی دیگر، انتظارات برخی از ادب دوستان از ترجمه و وفاداری به اصل در این زمینه، تا آن حد زیاد است که داوریشان درباره ترجمه، به طور کلی، به این عقیده فرانسوی نزدیک می شود که اساساً کسی که ترجمه می کند خیانت می کند. "حال، با این ملاحظات و در چنین مقامی، بویژه اگر در نظر بگیریم که مترجمی می خواهد "عظمت" حیدربابا را به "صمیمیت و صداقت" ترجمه کند، به موقعیت و دشواری و سختی کارش می توانیم پی ببریم.

استاد شهریار خود با اشاره به دشواری ترجمه می گوید:
... در ترجمه همیشه مترجم کلافه است
یک جمله، چند جمله تلف کرده باز هم
لطفی که بود در سخن از بین رفته است.
باز شهریار با تأکید بر زبان احساس بودن ترکی می گوید:

... لسان حسن و زبان طبیعت است

گوئی زبان برای هنرپیشه ساخته است
از حیث فولکور چه زبانی است بی نظیر
در عامیانه اش کلمات قصار هست
آنقدر عارفانه که چون وحی منزل است.
و در اقدام نافرجام خود برای ترجمه حیدربابا به فارسی می افزاید:

بسیاری از لغات و مفاهیم آذری است
کز فارسی، معادلشان من نیافتم
و باز در ویژگی زبان مادری خود می گوید:
راز و نیازها همه با آن زبان دل
آن راز و آن نیاز ننگجد به پارسی
آنجا مجادلات دروغین لغت نداشت
آنجا زبان رها و بیان بی تکلف است
امروز نیر شعر طبیعی آذری
کاملترین نمونه شعر جهان ماست
و ...

الحق زبان شعر دل من هم آذری است.
در اینجاست که سختی کار مترجم آنهم از زبان احساسی چون ترکی به فارسی آشکار می شود.

شهریار در این باره می گوید:
اشکال شعر پارسی شکرین یا
اشباء مد و اینهمه ترکیب کلمه هاست
زان، پای شعر وصفی ما لنگ می شود
نقاشی و مجسمه سازیش مشکل است
تدبیر چون کنیم که این پارسی، دری است
شعر دری ندارد از این بیش انعطاف
... عرفان به داد پارسی ما رسیده است.

و اما "سونمز" بی آنکه ادعایی داشته باشد، شاعری است عاشق؛ و درست تر آن خواهد بود که گفته شود او عاشقی است شاعر؛ زیرا کار او از عاشقی به شاعری کشیده است. ولی عشق او نه عشق مجنون بیابانی دیروز است، و نه عشق عاشق خیابانی امروز؛ عشق و شوری که شاعر راستین در سر دارد عشقی است دیگرگونه؛ عشق به نیکی و پاکی، عشق به داد و دادپورری، عشق بر هر آنچه که از فرهنگ و زبان و تاریخ نیاکان و سجایای اخلاقی